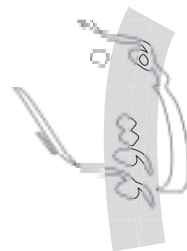


فرایند اصولی تغییر ساختارهای آموزشی و پرورشی



گفت‌وگو: زهرا شعبانی

بخش اول: فرایند تکوین ساختار دوره راهنمایی تحصیلی

«برای این که یک دوره در ساختار نظام آموزش و پرورش شکل بگیرد، ابتدا یک متخصص که در دو حوزه نظری و تجربی فعالیت دارد، موضوع را مطالعه و اصولی را که باید بر برنامه‌ها و اهداف آن دوره حاکم باشد، استخراج می‌کند. به همین خاطر، در هر کشوری، هر دوره آموزشی اهداف و فلسفه خاص خود را دارد.»

ساختار ۳-۳-۶ حدود ۲۰۰ سال پیش در اروپا طراحی شد و بعدها بسیاری از کشورها از آن الگو گرفتند. در ایران نیز بعد از سال ۱۲۹۰ که مدرسه‌ها گسترش یافتند، به موجب قانون اساسی معارف که اولین قانون آموزشی آموزش و پرورش در ایران محسوب می‌شد، ساختار اصلی ۶-۶-۶ تعریف شد. ما نیز این ساختار را از نظام آموزشی فرانسه اقتباس کردیم.»

استاد در قدم بعدی به سال ۱۳۴۳ باز می‌گردد. زمانی که مطالعاتی با محوریت موضوعی «اصلاح ساختار نظام آموزش و پرورش» شروع و نتایج آن در چند جلد تنظیم شد:

«در جلد نخست از این دوره، این ساختار پیشنهاد شد: دوره پیش دبستانی یک تا دو سال، دوره ابتدایی پنج سال و برای اولین بار سیکل اول متوسطه به نام دوره راهنمایی تحصیلی و سه ساله مطرح شد. برای دوره متوسطه نیز چهار سال در نظر گرفتند. قرار بر این بود که طرح به تدریج در کشور اجرا شود. بنابراین طبق برنامه، در سال تحصیلی ۴۶-۴۵ دوره ابتدایی به عنوان اولین دوره از ساختار جدید، اجرا شد. بعد از پنج سال یعنی در سال تحصیلی ۵۱-۵۰، اولین فارغ‌التحصیلان نظام جدید به دوره راهنمایی تحصیلی رفتند و همین عده در سال تحصیلی ۵۴-۵۳، اولین دانش‌آموزان دوره متوسطه شدند. طول تحصیل



باز هم بهانه‌ای دست داد تا با استاد احمد صافی، حول یکی از دغدغه‌های نظام آموزش و پرورش، گپ و گفتی داشته باشیم. و چه بهانه‌ای بهتر از تغییر برشی ساختار نظام آموزش و پرورش در دوره راهنمایی! زیرا دکتر صافی، چهار دهه پیش، درست چهار سال قبل از عملیاتی شدن طرح دوره راهنمایی تحصیلی در ساختار ۳-۳-۶، با هدف کارآمدی اجرای طرح، در مقطع کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره، آموزش دیده است. ما حاصل مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی ایشان در این زمینه و موارد مشابه، حدود سی عنوان کتاب است که از منابع ارزشمند دانشگاهی محسوب می‌شوند.

بارها و بارها درباره ساختار و محتوای دوره راهنمایی تحصیلی بحث و تبادل نظر شده است، اما این بار پای سخنان کسی می‌نشینیم که در نقش معلم مسئول متعهد نظام آموزش و پرورش، با سابقه چند دهه تجربه نظری و عملی، موضوع را از زوایای گوناگون بررسی کرده است.

همراه آقای حشمتی، سردبیر محترم مجله، گفت‌وگو را با سؤالی درباره پیشینه تاریخی ساختار و محتوای دوره «راهنمایی تحصیلی» در ایران آغاز کردیم و استاد با دقت و آرامش پاسخ داد.

سابقه طرح مطالعاتی
راهنمایی تحصیلی به سال
۱۳۳۷ باز می‌گردد که در
سال ۵۰ اجرا شد

در این ساختار ۱۲ سال و با احتساب پیش‌دبستانی، به ۱۴-۱۳ سال می‌رسید.»

مطالعات دوره راهنمایی در سال ۱۳۴۳ آغاز و برای اولین بار در سال تحصیلی ۵۱-۵۰ اجرا می‌شود. در این فاصله زمانی، مطالعات به بلوغ می‌رسند. استاد سیر تکاملی مطالعات را به این شکل شرح دادند:

«اولین مسئله این بود که برای اجرای دوره به معلم نیاز است. در سال ۱۳۴۶ طرح جالبی با عنوان «طرح تربیت و تأمین معلم دوره راهنمایی تحصیلی در رشته‌های گوناگون» نوشته شد و در سال ۱۳۴۸، دانش‌سراهای راهنمایی در ایران، با هدف تربیت معلم تأسیس شدند. دو سال قبل از شروع دوره راهنمایی، اولین معلمان این دوره از دانش‌سراها فارغ‌التحصیل و استخدام شدند تا معلم دویست و پنجاه هزار دانش‌آموز این دوره شوند.»

در سال ۱۳۴۶، یعنی چهار سال قبل از اجرای دوره راهنمایی تحصیلی، طی یک فراخوان، از هر استان دو نفر در آزمون ورودی کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره که برای بار اول در ایران اجرا می‌شد، شرکت می‌کنند.

سال ۴۸، اولین گروه کارشناسی ارشد این رشته، با هدف اجرای صحیح طرح راهنمایی دانش‌آموزان فارغ‌التحصیل می‌شوند. استاد صافی یکی از فارغ‌التحصیلان این دوره است:

«برای دوره راهنمایی تحصیلی، اهداف جالبی تعریف شده بود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کشف، پرورش و سنجش استعدادها اشاره کرد. هدایت دانش‌آموز هم رکن چهارم است. برای این که حق این دوره به درستی ادا شود، تصمیم گرفتند از نظام راهنمایی و مشاوره کمک بگیرند. به همین خاطر، من و عده‌ای از دوستان، به عنوان اولین دانشجویان این رشته، به مدت دو سال در دانشگاه تربیت معلم تحصیل کردیم تا هر کدام به عنوان کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره در مدارس راهنمایی، اهداف دوره را پی‌گیری کنیم.»

سال ۴۷ یعنی سه سال قبل از اجرای دوره راهنمایی، یک دفتر ستادی به نام دفتر راهنمایی تحصیلی وزرات آموزش و پرورش تأسیس می‌شود که استاد صافی یکی از کارشناسان آن است.

«به این نکته توجه کنید که مقدمات اجرای دوره راهنمایی از چند نظر فراهم شد که یکی از آن‌ها مشاوره بود. بعد از طرح اصلاح ساختار نظام آموزش و پرورش، مجموعه برنامه‌های درسی دوره‌ها تدوین شدند. این کار تا سال ۵۰ در دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی که امروز سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است، انجام می‌شد تا این که دفتر ستادی راهنمایی تحصیلی تشکیل شد.»

برایمان جالب است که بدانیم استادان طرح تربیت کارشناسان ارشد مشاوره و راهنمایی چه کسانی بودند.

«استادان همان نویسندگان طرح بودند که برای تأمین نیروی دبیر و مشاور، با دانشگاه تربیت معلم به تعامل پرداختند. بین وزرات آموزش و پرورش و دانشگاه تربیت معلم، قراردادی منعقد شد که براساس آن، سالانه پنجاه نفر از کل معلمان که لیسانس علوم تربیتی داشتند، از طریق آزمون، در رشته کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره پذیرفته شدند. استادان ایرانی و خارجی که این طرح را اجرا می‌کردند، با اهداف دوره راهنمایی آشنا بودند.»

استاد می‌گوید، در واقع سابقه طرح مطالعاتی راهنمایی تحصیلی به سال ۱۳۳۷ باز می‌گردد که در سال ۵۰ اجرا شد. البته طرح در سال ۱۳۳۷ نظام یافته نبود، بلکه در سطح یک تفکر مطرح شد. در این تفکر، مسئولان معتقد بودند، بهتر است دانش‌آموزانی که از سیکل اول به سیکل دوم می‌روند، راهنمایی شوند.

در همان زمانی که تفکر «راهنمایی تحصیلی» دانش‌آموزان دوره شش ساله متوسطه مطرح می‌شود، کتاب‌هایی با محوریت این موضوع سفارش داده می‌شود که کتاب ارزشمند آقای دکتر کاردان یکی از آن‌هاست.

«طی این مطالعات، کشورهایی که این دوره را اجرا کرده بودند نیز بررسی شدند. یکی از متخصصان مرکز مشاوره فرانسه، در مطالعه این طرح حضور داشت.»

افرادی که جمع شده بودند تا در نظام آموزش و پرورش وقت نوآوری کنند، به این نتیجه مهم می‌رسند که باید برای پیش‌گیری از افت تحصیلی و هدایت درست و اصولی به شاخه‌ها، شناخت و پرورش استعداد و ایجاد رغبت در دانش‌آموزان، ساختار راهنمایی دوره متوسطه تغییر کند و از سه نوع راهنمایی استفاده شود؛ راهنمایی تحصیلی، راهنمایی شغلی و راهنمایی سازشی. استاد می‌گوید، سابقه هر کدام به سال ۱۹۰۰ میلادی باز می‌گردد. زمانی که نظام‌های تحصیلی دنیا، این دوره حساس را در ساختار نظام آموزشی خود وارد کردند. به قول استاد، به این نکته ظریف رسیدند که هر جا تنوع رشته و شاخه هست، باید راهنمایی و مشاوره هم باشد. او این سه نوع راهنمایی را که ظاهراً از هم مستقل‌اند و در واقع به نوعی در هم ادغام شده‌اند، به دقت تبیین می‌کند.

«بین این سه نوع راهنمایی، راهنمایی تحصیلی جایگاه مهم‌تری دارد. سر در مدارس هم از اصطلاح «راهنمایی



در هر قسمت از نظام آموزشی «انتخاب» وجود داشته باشد، به هدایت تحصیلی نیاز داریم. زیرا فلسفه حقیقی «راهنمایی تحصیلی»، وجود رشته، شاخه و واحدهای درسی متنوع است

تحصیلی» استفاده شده است. اگر این دوره را به خوبی بشناسیم، دیگر مردودی یا بی‌رغبتی نسبت به رشته تحصیلی را نخواهیم داشت. زیرا این دوره برای همین هدف طراحی شده است.»

استاد یکی دو مورد از اهداف این دوره را یادآوری می‌کند تا در ادامه بحث به آن‌ها استناد کند.

«یکی از اهداف مهم این دوره، کمک و راهنمایی دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر و پیشرفت تحصیلی است تا سه فرهنگ اصیل را به خوبی درک کنند؛ فرهنگ اسلامی، ایرانی و جهانی. تفاوت اساسی این دوره با سایر دوره‌ها در این است که ضمن یادگیری، به دانش‌آموزان کمک می‌کنیم تا استعدادهایشان شناخته و شکوفا شود.

هدف دوم، کمک در انتخاب شاخه و رشته تحصیلی و هدایت دانش‌آموز به دوره متوسطه است.»

استاد معتقد است تغییر نظام متوسطه در سال ۷۰ و انتقال هدف دوم از دوره راهنمایی به سال اول متوسطه، هیچ استدلال دقیقی ندارد. دانش‌آموزان ما هم‌اکنون در متوسطه، مشکل تحصیلی (مردودی) قابل ملاحظه‌ای دارند.

«ساختار انتخاب شاخه و رشته، ساختاری درختی است که می‌تواند بهترین ساختار برای نظام آموزش و پرورش باشد. ابتدا دوره‌های عمومی برگزار می‌شود تا استعدادها را عمومی شکوفا شود. این مسئولیت به دوره‌های ابتدایی و راهنمایی واگذار می‌شود. پایان دوره راهنمایی، پایان شکوفایی استعدادها را عمومی است و در پایان دوره متوسطه، شاهد تنوع استعدادها و بروز اختصاصی آن‌ها هستیم.»

بخش دوم: تغییر ساختار و راهکارهای اجرایی آن

در این بخش از گفت‌وگو با استاد صافی، درباره تغییر ساختار نظام آموزش و پرورش در دوره راهنمایی صحبت کردیم. تشریح پیشینه تاریخی ورود دوره «راهنمایی تحصیلی» به ساختار نظام آموزش و پرورش و تبیین اهداف آن توسط استاد، یک بازه زمانی نسبتاً طولانی را شامل می‌شود؛ از سال ۳۷ که تفکر آن شکل گرفت تا سال ۵۰ که برای اولین بار به اجرا درآمد. از استاد می‌پرسیم، طرح تغییر ساختار در سال ۸۹ نیز با همین وسواس و دقت نوشته شده است و قابلیت عملیاتی شدن را دارد؟

«اگر می‌خواهیم ساختار را تغییر دهیم و تحول اساسی داشته باشیم، بهترین نقطه شروع، دوره پیش‌دبستانی است. فرض کنید که نمی‌خواهیم پیش‌دبستانی را اجباری و عمومی کنیم، آن وقت سال اول دبستان، برای شروع بهترین دوره است. برای هر دوره، تمام ابعاد را با هم در نظر بگیریم؛ از معلم، کتاب و ساختمان گرفته تا مسائل حاشیه‌ای‌تر. وقتی می‌خواهیم

ساختار را تغییر دهیم، باید از مبنا شروع کنیم و برنامه ملی برای تمام دوازده سال تحصیلی یک جا ریزی شود. همچنین سهم هر دوره در عملی شدن اهداف مشخص و سپس به کتاب تبدیل شود. زیربنای محتوای کتاب‌های هر دوره، محتوای درس دوره قبلی است. پس کار منطقی این است که از دوره ابتدایی شروع کنیم. عده‌ای می‌گویند دیر است. همین استدلال در تغییر ساختار نظام آموزش و پرورش، در سال ۶۷ هم مطرح شد. آن وقت هم می‌خواستند از ابتدایی شروع کنند، اما گفتند دیر است. مسائل دوره متوسطه زیاد است، بهتر است زودتر از این دوره شروع کنیم تا سریع‌تر نتیجه بگیریم. آن زمان هم منکر این اصل نبودند که بهتر است از پیش‌دبستانی شروع شود، اما عملاً به این نتیجه نرسیدیم.»

استاد می‌گوید، زمانی می‌توانیم تشخیص دهیم امکان تغییر ساختار به صورت برشی وجود دارد که طرح عملیاتی نوشته شده باشد.

«از تجربه‌های گذشته درس بگیریم و برای ساختار $3+3+3=9$ مستندات علمی پژوهشی ارائه دهیم.»

در طرح ساختار جدید، بر ضرورت اهداف «راهنمایی تحصیلی» تأکید شده است؟

«بله. اما در سطح یک پیام اولیه است. اجرای آن مستلزم این است که به دانشگاه‌ها سفارش تربیت نیرویی که قرار است این اهداف را عملی کنند، داده شود.»

عده‌ای معتقدند، این دوره نتوانسته است به اهدافش برسد و در اصل و بنیاد دوره‌ای بی‌هویت بوده است. پاسخ شما به این عده چیست؟

«اگر این دوره نتوانسته است به اهداف واقعی خودش برسد، به معنای آن نیست که در محتوای اصول و اهداف آن مشکل وجود دارد، بلکه نشان می‌دهد که ما در اجرای آن به قدر لازم توانمند نبوده‌ایم. به نظر می‌رسد این مشکل به ساختار مربوط نیست.»

استاد از یک اصل می‌گوید:

«در نظام آموزشی چه مدرسه چه در دانشگاه، ارائه درست خدمات راهنمایی و مشاوره در تمام سطوح، یک اصل است. اولین خدمت راهنمایی، خدمت اطلاعاتی یا اطلاع‌رسانی است. همه دوست دارند بدانند در چه رشته تحصیلی و چه شغلی موفق‌ترند. اگر این ارتباط درست نشان داده شود، رضایت زندگی و رضایت شغلی در افراد جامعه دیده می‌شود. در مطالعاتی در یکی از کشورها، متوجه شدم دانش‌آموزان از پیش‌دبستانی با مشاغل آشنا می‌شوند. برای مثال، در بازدیدهای عملی، به یکی از بانک‌های نزدیک مدرسه می‌روند و رئیس و کارمند بانک درباره شغلشان با آن‌ها صحبت می‌کنند.

در خدمت اطلاعاتی می‌توان درس‌هایی تدوین کرد که در آن زمینه‌های آشنایی با مشاغل گوناگون و علاقه‌مندی

وقتی می‌خواهیم ساختار را تغییر دهیم، باید از مبنا شروع کنیم و برنامه ملی برای تمام دوازده سال تحصیلی یک جا ریزی شود. همچنین سهم هر دوره در عملی شدن اهداف مشخص و سپس به کتاب تبدیل شود

اگر نیروی لازم تربیت شود، شکست طرح معنا ندارد. نکته مهم‌تر این است که اهداف را به طرح‌های قابل اجرا تبدیل کنیم که بتوان آن‌ها را پی‌گیری کرد. به اعتقاد بنده، تداوم اندیشه در طرح‌های ما کم بوده است

دانش آموزان به آن‌ها فراهم شود. در این روند، بهتر است اطلاعات دست اول و به روز باشند.

خدمت دوم، ارزیابی همه جانبه دانش آموزان است. این خدمت شامل جمع آوری همه جانبه اطلاعات، کاربرد روش‌ها و ابزار شناخت و تجزیه و تحلیل اطلاعات و استفاده از اطلاعات عینی درباره هر دانش آموز است.

خدمت سوم، خدمات مشاوره‌ای است. در این فرایند، خودشناسی فرد تسهیل می‌شود تا مشکل موجود راحت‌تر حل و فصل شود.

خدمت چهارم، خدمات طرح‌ریزی تحصیلی، شغلی، ارجاع و پی‌گیری است. هدف عمده این خدمات، یاری دانش آموزان در دوره‌های گوناگون تحصیلی است تا بتوانند در تهیه طرح‌های آینده تحصیلی و شغلی و بهره‌وری از فرصت‌ها و امکانات مدرسه و بازار کار توفیق یابند.

استاد حضور این چهار نوع خدمت را با چند پرسش تحلیلی، الزامی می‌شمارد:

«اگر این خدمات از دیستان به دانش آموز ارائه شود، باز هم دچار مشکلات متعدد تحصیلی خواهد شد؟ راهنمایی قبل از این که به درمان بپردازد، پیش‌گیری می‌کند. به نظر شما با اجرای این خدمات، باز هم ردی و اخراجی خواهیم داشت؟ آمار دانش‌آموزانی که به رشته تحصیلی خود رغبتی نشان نمی‌دهند، به چه عددی خواهد رسید؟»

اهداف دوره راهنمایی تحصیلی از نگاه برخی از مسئولان زیر سؤال رفته است. نظر شما چیست؟

«نکته مهم این است که اهداف پی‌گیری نشده‌اند. اگر در گذشته چند سال قبل از شروع دوره راهنمایی تحصیلی، کارشناس ارشد در رشته مرتبط تربیت می‌کردیم، پس امروز توانایی تربیت افراد با صلاحیت‌های بالاتر در مقاطع دکترا را داریم. اگر نیروی لازم تربیت شود، شکست طرح معنا ندارد. نکته مهم‌تر این است که اهداف را به طرح‌های قابل اجرا تبدیل کنیم که بتوان آن‌ها را پی‌گیری کرد. به اعتقاد بنده، تداوم اندیشه در طرح‌های ما کم بوده است.»

به نظر شما طرح برنامه درسی ملی تا چه اندازه قابل اجراست؟

«تلاش‌های ارزشمندی در برنامه درسی ملی صورت گرفته و لازم است که با سند ملی آموزش و پرورش هماهنگ شود. نکته قابل توجه این که نمی‌دانیم توانایی‌های اجرایی طرح یاد شده چه اندازه است. فقط این را می‌دانیم که تا آمادگی لازم صورت نگیرد، نمی‌توانیم شروع کنیم. مسئولیت مجریان طرح مسئولیت بزرگی است، زیرا به دنبال تغییر بنیادین هستند، نه تنها تغییر و تحولی اصلاحی!»

باید سه اصل نیروی انسانی، فضای آموزشی و برنامه‌های درسی را در کنار و ملازمت هم آماده کنند تا طرح به بهترین شکل اجرا شود.»

صحبت‌های پایانی دکتر صافی، چند توصیه دوستانه به مسئولان نظام آموزش و پرورش است:

«در قدم اول، معلمان، مدیران و کارکنان تمام دوره‌های تحصیلی را با اصول و اهداف راهنمایی به ویژه راهنمایی تحصیلی و شغلی آشنا کنیم که بخشی از این اطلاع‌رسانی می‌تواند از طریق مجله شما هم صورت بگیرد. در مرتبه دوم، تکلیف دوره متوسطه و دانشگاه مشخص باشد تا بچه‌ها قبل از ورود به این دوره‌ها، اطلاعات درست کسب کنند و بدانند مسیری که در آن هستند، به کجا می‌رسد.

توصیه سوم این است که در تمام این مراحل، میزان شناخت دانش آموز از خودش و همین‌طور شناخت خانواده از او را بالا ببریم.

توصیه چهارم این که لازم است به ساختار واقعی اهمیت دهیم و تحول نظام آموزش و پرورش را در ابعاد گوناگون آن در برنامه پنجم توسعه مورد توجه قرار دهیم.

عمل به این چهار نکته، مستلزم این است که در تربیت معلم و بازآموزی آن‌ها، دوره‌های کاربردی‌تری پی‌ریزی شوند. در محتوای کتاب‌های درسی نیز می‌توانیم شناخت مشاغل و رشته‌های تحصیلی و رغبت نسبت به آن‌ها را لحاظ کنیم.»



گفت‌وگو با دکتر صافی را با پیشینه تاریخی دوره راهنمایی تحصیلی آغاز کردیم و در آخر، روند صحیح تغییر ساختار نظام آموزشی را فرا گرفتیم. این چند جمله استاد را برای همیشه به خاطر سپردیم:

«برای عملی کردن هر فکر درستی، به افرادی نیاز داریم که اهل نظر باشند و ثبات و پی‌گیری امور از نوشتن قانون تا تصویب و اجرای آن، از ویژگی‌های آن‌ها باشد. ما در عملی کردن افکارمان کم توانیم. البته با کمی تأمل می‌توان از این سد هم گذشت!»